

## کمیته اجرایی صهیونیستی و تأسیس آژانس یهود\*

محمد عبدالرؤف سلیم

ترجمه: صلاح الدین گچی

### کمیته اجرایی صهیونیستی در امور فلسطین

در ۱۹ آوریل ۱۹۲۰، اجلاس سن ریمو برگزار شد و در آن، شورای عالی متفقین تصمیم گرفت که فلسطین به قیمومیت انگلیس درآید. مصوبه شورای عالی متفقین، متضمن مفاد اعلامیه بالفور در مورد تأسیس موطنی ملی برای یهودیان در فلسطین بود. ماده نود و پنجم پیمان سور، در ۱۰ اوت ۱۹۲۰، تصریح کرد که کشور قیم بر فلسطین، مسئول اجرای اعلامیه بالفور است. این امر در نتیجه همسویی تلاش‌های دیپلماتیک انگلیس و صهیونیست‌ها برای آماده سازی شرایط مناسب به منظور اجرای مفاد اعلامیه بالفور صورت گرفت. این حرکت که ابتدا از سن ریمو آغاز شده بود، با گذار از سور و لوزان، ادامه یافت تا اینکه سند قیمومیت بر فلسطین به تصویب رسید، زیرا مأموریت لرد کرزن به منظور طرح سند قیمومیت انگلیس بر فلسطین، تمهیدی برای به دست آوردن قطعه‌نامه ای از جامعه ملل بود. این تلاش‌ها نشان دهنده انطباق کامل میان سیاست انگلیس و طرح صهیونیسم برای یهودی کردن فلسطین در چارچوب حقوق بین الملل و از راه تصریح در سند قیمومیت به شیوه های عملی برای تعمیق ارکان موجودیت صهیونیسم در این کشور (اسلامی) بود. این مرحله تاریخی مهم، شاهد

\* این مقاله ترجمه بخش نخست کتاب زیر است:

محمد عبدالرؤف سلیم، نشاط الوكالة اليهودية لفلسطين: منذ إنشائها و حتى قيام دولة اسرائيل ۱۹۹۲-۱۹۴۸، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر، ۱۹۸۲، ص ۵۰-۲۱.  
فصلنامه مطالعات منطقه ای، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۸۴-۱۵۱.

◆ فصلنامه مطالعات منطقه ای

تشکیل برخی از کمیته‌های صهیونیستی بود که با وزارت امور خارجه انگلیس همکاری و با لرد کرزن در این مورد تشریح مساعی کردند. در این کمیته‌ها تعدادی از صهیونیست‌های سرشناس انگلیسی و آمریکایی حضور داشتند که از میان آنان می‌توان هربرت سموئیل، فلیکس فرانکفورت، بنیامین کوهن و اریک فوربس آدام را نام برد.<sup>۱</sup> در ۶ ژوئیه ۱۹۲۱، سند قیمومیت بر فلسطین در شورای جامعه ملل مطرح شد و در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۲ به تصویب رسید. این سند، اعلامیه بالفور را از عرصه فلسطینی و انگلیسی به عرصه جهانی گذار داد. نکته مهم در متن این سند ذکر نام آژانس یهود در امور فلسطین (The Jewish Agency for Palestine) است که برای نخستین بار در کنار برخی از مفاد سند در زمینه تعیین اختیارات آورده شده است. ماده چهارم سند تصریح کرده است که «آژانسی، ویژه یهود به عنوان سازمانی عمومی برای ارایه مشورت به دولت فلسطین و همکاری با آن در امور اقتصادی و اجتماعی به رسمیت شناخته می‌شود که ممکن است برای تشکیل موطن ملی یهود و منافع یهودیان در فلسطین ضروری باشد و همچنین در ترقی کشور کمک و مشارکت کند، به شرط آنکه این موضوع، همواره تحت نظارت دولت قرار گیرد. همچنین، سازمان [جهانی] صهیونیسم - مادام که کشور قیم، اساسنامه و تشکیل آن را شایسته این منظور تشخیص دهد - به عنوان آژانسی مناسب پذیرفته می‌شود. این سازمان، پس از رایزنی با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس، باید تدابیر لازم را برای کسب یاری از همه یهودیان آماده کمک به تشکیل موطن یهود، انجام دهد.<sup>۲</sup>

به این ترتیب، آژانس یهود عنصری رسمی از عناصر حکومت در فلسطین شد و چندی بعد، شکل حقوقی نیز به خود گرفت. ماده ششم سند قیمومیت، تصریح کرده است که دولت فلسطین باید در دو زمینه با آژانس یهود همکاری کند: تسهیل مهاجرت یهودیان به کشور در شرایطی مناسب و تشویق استقرار ایشان در زمینهای دولتی و اراضی موات که مورد نیاز مقاصد عمومی نباشد. در بخشی از ماده یازدهم سند مزبور آمده است: «دولت فلسطین می‌تواند با آژانس یهود به توافق برسد که این آژانس مادام که دولت به طور مستقیم در زمینه‌های احداث یا راه اندازی طرحهای عمومی و بهره برداری از امکانات طبیعی کشور

فعالیت نمی‌کند، احداث یا راه‌اندازی طرح‌های عمومی و بهره‌برداری از امکانات طبیعی کشور را با شرایطی عادلانه و منصفانه به عهده گیرد. هر قرارداد، مشروط به این است که میزان سود مستقیم یا غیر مستقیم حاصل از آن - توسط آژانس تقسیم می‌شود - از میزان بهره منطقی سرمایه به کار رفته فراتر نرود و میزان سود افزون بر این بهره، باید با نظر موافق دولت به نفع کشور استفاده شود.<sup>۲</sup> اگرچه تصویب نظام قیمومیت، همسو با اجرای ماده بیست و دوم میثاق جامعه ملل بود، اما سند قیمومیت بر فلسطین با مفاد این ماده مغایرت داشت، زیرا این ماده می‌گفت که هدف از قیمومیت، تحقق رفاه ملتها است، در حالی که بدیهی است که تشکیل آژانس یهود برای فلسطین، مغایر این بیان بود. از این رو، زمینه تبدیل کمیسیون صهیونیستی در امور فلسطین به آژانسی رسمی که در مسؤلیت حکومت کشور مشارکت داشته باشد، فراهم آمد. به همین دلیل، این آژانس، فعالیت خود را تحت نام «کمیته اجرایی صهیونیستی در امور فلسطین» آغاز کرد و چنان توسعه یافت که چارچوب آن، فعالیت همه جناح‌های یهودی صهیونیستی و غیر صهیونیستی را در بر گرفت. سیاست انگلیس در فلسطین بر اجرای سه تعهد کلی استوار بود که سند قیمومیت، آنها را تصریح کرد. این سه اصل، عبارت بودند از: ۱. قرارداد کشور در وضعیتی سیاسی، اقتصادی و اداری که به تشکیل موطن ملی یهود کمک می‌کند؛ ۲. تسهیل مهاجرت یهودیان به فلسطین؛ ۳. تشویق اسکان یهودیان در فلسطین با همکاری آژانس یهود.<sup>۴</sup>

بدین ترتیب، در سال ۱۹۹۲، وزارت مستعمرات انگلیس در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ضروری است اشاره شود که کمیسیون صهیونیستی در امور فلسطین که به کمیته اجرایی صهیونیستی تبدیل شده است، خواهان ایفای هیچ گونه نقشی در دولت فلسطین نیست. به علاوه، موقعیت ویژه مجمع صهیونیستی که به موجب ماده چهارم سند قیمومیت تشکیل شده است، اختیارات لازم برای تصدی این وظیفه را به آن نمی‌دهد، بلکه اختیارات ناشی از موقعیت ویژه آن، به تدابیر مربوط به جمعیت یهود و یاری دادن به پیشرفت کشور به طور کلی محدود می‌شود بی‌آنکه این اختیارات حق هرگونه مشارکت در حکومت کشور را به آن دهد.»<sup>۵</sup> وزیر مستعمرات انگلیس در بیانیه‌ای - که در اکتبر ۱۹۳۰ در مجلس عوام خواند - ضمن

استناد به اصول مزبور، عزم دولت خود را به تشکیل نهادی به منظور تلفیق میان خواسته های عرب ها و یهودیان اعلام کرد و خواستار تقویت تلاشهای کمیسر عالی در فلسطین جهت یافتن راهکاری مشخص و هماهنگ به منظور همکاری و تعیین روشهای گفت و گو میان دولت فلسطین و آژانس بر طبق اصولی شد که به عقیده وی لازم است مراعات شود. به این معنا که موقعیت ویژه آژانس یهود که به آن اجازه مشورت دادن و همکاری را می دهد نباید موجب تفویض اختیارات شرکت در دولت به آن شود. متقابلاً باید نهادی تأسیس گردد که منافع اصلی جمعیت غیر یهود را نیز تأمین کند. همچنین باید فرصتهای مساوی برای گفت و گو با دولت قیمومیت در مورد مسایل مؤثر بر این منافع فراهم آید. اندیشه همکاری دولت با آژانس یهود در زمینه های اشتغال، خدمات و طرحهای عمومی، مسئله ای قیاسی است، نه تعهد آور و اجازه نمی دهد که این همکاری با منافع جامعه تعارض پیدا کند.<sup>۶</sup> تأسیس تشکیلاتی اداری برای آژانس یهود که نماینده یهودیان جهان باشد، به همان شیوه ساده تشکیل کمیسیون وایزمن در امور فلسطین، امکان پذیر بود. با این حال، اوضاع، تغییرات زیادی کرده بود، زیرا تشکیل کمیسیون وایزمن در امور فلسطین، رویدادی زود گذر و مرحله ای بود که شرایط اوایل سال ۱۹۱۸ آن را ایجاب می کرد. این کمیسیون، همچنین شکل نهایی تشکیلات دائمی یهودی را که متولی فرآیند یهودی کردن فلسطین است، به خود نگرفت، بلکه کمیسیون مزبور پس از تماسهای فردی و مقطعی که به منظور اجرای مفاد اعلامیه بالفور صورت گرفت، تشکیل شد. به همین دلیل تشکیل آن، سریع و بدون تصویب کنگره جهانی صهیونیسم یا هر سازمان جهانی یهودی دیگری صورت گرفت. پس از تصویب سند قیمومیت، اجرای آن ایجاب می کرد که تلاشهای تازه ای برای تشکیل آژانسی گسترده تر، بر پایه های قانونی مشخص و برخوردار از موافقت جناحهای یهودی و در رأس آنها سازمان جهانی صهیونیسم انجام شود.

بر این اساس، دوازدهمین کنگره جهانی صهیونیسم که در سپتامبر ۱۹۲۱ در کارلسباد برگزار شد، طرح تشکیل کمیته ای اجرایی به نام کمیته اجرایی صهیونیستی در امور فلسطین را تصویب کرد تا در زمینه تصدی مسئولیت نظام اداری فلسطین، جایگزین کمیسیون صهیونیستی شود. همچنین در این کنگره، طرحی برای ساختار تشکیل کمیته نو

بنیاد پیشنهاد شد که در رأس آن یک رییس<sup>۷</sup> قرار داشت و شامل خزانه دار،<sup>۸</sup> دبیرخانه، نماینده سیاسی<sup>۹</sup> و نیز چند اداره<sup>۱۰</sup> بود. این طرح، نهایی نبود، زیرا تکمیل آن احتمالاً مستلزم انجام اصلاحاتی در ساختار تشکیلاتی کمیته و افزون یا حذف بخشهایی در متن طرح و یا در ترکیب رهبری کمیته بود.<sup>۱۱</sup> اداره انتشارات و تبلیغات به صورتی نیمه رسمی به این کمیته افزوده شد و مسئول پخش خبرهای مربوط به یهودیان فلسطین و تهیه برنامه های ویژه سفرکنندگان به فلسطین از طریق دفتر تبلیغات یهودیان بود. این اداره با افکار عمومی یهودیان در سطح جهان تماسی دائمی داشت.<sup>۱۲</sup> کمیته اجرایی صهیونیستی در امور فلسطین کار خود را با موافقت رسمی دولت انگلیس و آگاهی جامعه ملل انجام می داد. این امر از پاسخ دولت انگلیس به پرسش کمیته قیمومیتها، وابسته به جامعه ملل، روشن می شود. این پاسخ در نخستین گزارش سالانه دولت قیم بر فلسطین به شورای جامعه ملل که در دسامبر ۱۹۲۴ در رم تشکیل جلسه داد، درج شده و در بخشی از آن آمده است: «از همان آغاز تصرف [فلسطین]، سازمان جهانی صهیونیسم، کمیته ای تعیین کرد و فرمانداری نظامی - و بعدها فرمانداری غیر نظامی - این کمیته را به عنوان ارگانی مشورتی پذیرفت که وظیفه آن، مشورت دادن و همچنین همکاری با دولت در زمینه هایی بود که احتمالاً بر تأسیس موطن ملی یهود و منافع جمعیت یهود در فلسطین مؤثر بود. بخشی از شرایط رسمی این کمیته، این است که یکی از اعضای آن، نماینده سازمان [جهانی صهیونیسم] باشد و این شخص، حق تماس با دولت و ادارات دولتی را در هر مسئله مربوط به حوزه وظایف آژانس یهود داشته باشد. کمیسر عالی [انگلیس] با این عضو برای بحث درباره سیاستهای عمومی، به طور هفتگی ملاقات می کند. همچنین، این شخص در صورت لزوم با دبیر یکم دولت قیمومیت، دیدار و درباره مسایل مربوط به استعمار یهودی در فلسطین بحث و گفت و گو می کند.»<sup>۱۳</sup> کمیته اجرایی صهیونیستی در امور فلسطین تاهنگام گسترش آژانس یهود در پاییز ۱۹۲۹ به کار خود ادامه داد.

### طرح گسترش آژانس یهود

از زمانی که هرتزل، رهیافت فکری خود را در کتاب دولت یهود می نگاشت، در ذهن وی

اندیشه جذب تلاشهای یهودیان صهیونیست و غیر صهیونیست و ذوب کردن همه این فعالیتها در یک بوتله و بهره جویی از این تلاشها برای یهودی کردن فلسطین دور می زد. در آن هنگام، هر تزل به این نتیجه رسید که مجری طرح صهیونیستی باید به یک شرکت و سازمان محدود شود که آن سازمان، نماینده یهودیان جهان باشد و نه فقط یهودیان صهیونیست. به بیان دیگر، یهودیان غیر صهیونیست نیز باید در مورد اجرای این برنامه، دوشادوش یهودیان صهیونیست فعالیت کنند. از زمانی که وایزمن- در اوایل جنگ جهانی اول- برای تقدیم خواسته های صهیونیستی به دولت انگلیس آماده می شد، همین طرح در ذهن وی نیز وجود داشت. از این رو، او در صدد آماده سازی مقدمات اجرایی این طرح به وسیله اجرای یک طرح تبلیغاتی دقیق برآمد. وایزمن در پی بررسی ماهیت ترکیب کانونهای یهودی انگلیسی در چارچوب جامعه انگلیس، برنامه ای تبلیغاتی- صهیونیستی را اجرا کرد که مبتنی بر درک پایه های جامعه محلی و کوشش در بهره جویی از نکات ضعف و قدرت آن بود. همچنین، این برنامه مبتنی بر توجه همیشگی به ابزار منافع ویژه جامعه ای بود که برضد آن تبلیغ می شود و سرانجام، امکان پیوند دادن این منافع با منافع صهیونیستی بود. وایزمن و گروه کارش معتقد بودند که تبلیغ نمی تواند افکار عمومی را تحریک کند، مگر اینکه تمایل قلبی به سمتی که تبلیغاتی آن را مطرح می کند، عملاً وجود داشته باشد. به دیگر سخن، تبلیغ، تأثیر خود را نمی گذارد، مگر اینکه جنبه ها و امکانات آن به میزانی متناسب با شرایط جامعه و تمایلات ویژه آن فراهم آید. گروه وایزمن پس از بررسی ساختار اجتماعی، در صدد برخورد فکری و عملی با مراکز قدرت در جامعه یهودیان انگلیس برآمد و تلاشهای بی وقفه ای برای جذب این جامعه و تأثیر گذاری بر آن انجام داد. سازگار کردن ابزارهای فعالیت با ساختار اجتماعی، از مهمترین روشهای استراتژی تبلیغات صهیونیستی شمرده می شود.

بر اساس این روش، مردم، دیدگاه یا نگرشی را بیشتر می پذیرند که افراد یا گروههای سرشناس در جامعه خود از آن پیروی می کنند. در اجرای این روش، وایزمن در صدد مخاطب قرار دادن چند شخصیت بلند پایه جامعه یهودیان انگلیس برآمد و در این مرحله لزوم اتخاذ موضعی مشخص در برابر گروههای دارنده نقش مؤثر در هدایت سیاست عمومی جامعه

انگلیس پی برد. وی از این خاستگاه در دو محور حرکت کرد: یکی، خاموش کردن هرگونه صدای مخالف، و دیگری، رخنه به گروههای مزبور و تأثیر بر اعضای آنها و هدایت افکارشان در جهت اندیشه صهیونیستی. در زمان جنگ جهانی اول، فلسفه تبلیغات صهیونیستی در میان یهودیان انگلیس بر این اساس استوار بود. در این زمینه، صهیونیست ها کوشیدند به درون جناحهای سیاسی و اجتماعی نفوذ کنند و در همان حال، درصدد جذب و همراه کردن این جناحها با هدف خود برآمدند. وایزمن در خاطراتش اعتراف می کند که جامعه یهودیان انگلیس چند دسته بود، از این رو، وی در تلاش برای گردآوردن یهودیان چند دسته انگلیس، گفت و گوهای خود را با یهودیان ادغام گرا در انگلیس افزایش داد و به هر وسیله ممکن کوشید آنان را متقاعد سازد که از اندیشه صهیونیستی پشتیبانی کنند و یا دست کم از مخالفت با آن دست بردارند. به همین دلیل، وی می گفت که «ادغام در مورد یهودی معتقد به کیش عبری بیهوده است»، زیرا به نظر او ادغام، یک یهودی را از همه نشانه های یهودیت دور می سازد. همچنین، هر یهودی که در فلسطین زندگی نمی کند، یک زندگی طبیعی، شبیه زندگی طبیعی یک فرد انگلیسی در انگلستان را ندارد. علت آن - از دیدگاه صهیونیسم - این است که «ثبات یهودیان در هر کشوری - جز فلسطین - موقت است، زیرا آنان همواره از تشکیل و فعالیت جنبشی ضد سامی که موارد زیادی از آن را دیده اند، در هراس به سر می برند. تا وقتی که یهودی، یک فرد تابع قلمداد شود، در پاره ای شرایط، مطلوب و در بیشتر شرایط، نامطلوب به حساب می آید. تا وقتی که یهودیان در هر جا - فلسطین - زندگی می کنند، در انتظار گرفتاری به سر می برند.» بنابراین، وایزمن اندیشه گردآوردن یهودیان با پایگاه مستحکم را مطرح کرد. هدف وی به دست آوردن این حق بود که «با آنان به عنوان انسانهای قدرتمند و توانمند رفتار شود، به شرط آنکه در خانواده بین المللی از مساوات برخوردار شوند و اختیار انتخاب آینده خود را داشته باشند.»<sup>۱۴</sup>

با این همه، مأموریت وایزمن بسیار طاقت فرسا بود و اقداماتش در مورد درهم شکستن کانونهای یهودی مستحکم و مخالف صهیونیسم در خود انگلیس با اشکال زیادی روبه رو شد. پس از صدور سند قیمومیت فلسطین، شرایط، بسیار تغییر کرد، زیرا وایزمن می بایست برای

جذب برخی جناح‌های جدید یهودی - که توانایی فراهم آوردن امکاناتی فراتر از توانایی جناح‌های صهیونیستی را داشتند - به تلاش‌های زیادی دست می‌زد. در این هنگام، قاضی براندیس در ایالات متحده، همراه گروه خود در پی دوری جستن از برنامه‌های وایزمن برآمد. همچنین، برخی گروه‌های یهودی کوشیدند که یهودیان روسیه را در اوکراین اسکان دهند. به علاوه، بعضی از گروه‌های یهودی در فلسطین نیز فعالیت‌هایی در سمتی مخالف گرایش‌های صهیونیستی آغاز کردند.

### انگیزه گسترش آژانس یهود

ماده چهارم سند قیمومیت، تصریح می‌کند که «سازمان صهیونیسم باید پس از رایزنی با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس، تدابیر لازم را برای جذب یاری همه یهودیان خواهان کمک دهی به تشکیل موطن یهودی اتخاذ کند.» چند عامل، وایزمن و گروه کارش را واداشت که خواهان گسترش آژانس یهود شوند. برخی صهیونیست‌ها به این نتیجه رسیدند که آژانس گسترش یافته یهود با جذب عناصر جدیدی از یهودیان غیر صهیونیست به حوزه اعتقادات قومی یهود، نشان دهنده یکی از روش‌های مورد نظر برای گسترش قلمرو و قومیت یهود در میان کانون‌های یهودیان پراکنده در سراسر جهان خواهد بود. درست است که سازمان صهیونیسم تا پاییز ۱۹۲۹ همچنان از همه روش‌ها به منظور جذب همکاری یهودی‌های غیر صهیونیست و خواهان کمک به تأسیس موطن ملی یهود استفاده می‌کرد، اما بعضی از جناح‌های صهیونیستی، معتقد بودند که این اقدام، مستلزم کناره‌گیری سازمان صهیونیست از موقعیت خود و تشکیل آژانسی جدید است که اجازه ایفای نقشی برتر را در طرح‌های یهودی کردن فلسطین می‌دهد. با این حال روشن بود که تشکیل آژانس یهود، به شکل گسترش یافته یا گسترش نیافته، به همان صورت مشخص در سند قیمومیت باقی می‌ماند<sup>۱۵</sup> و در نتیجه، موجب افزایش تلاش‌های انجام شده در چارچوب تقویت قومیت یهود می‌شد که این اهداف را به تحقق می‌رساند. گسترش آژانس یهود، یهودیان سرشناس و دارای مناصب دولتی حساس در کشورهای متبوعشان را در فرآیند یهودی کردن فلسطین شرکت می‌داد و این امر، وزنه‌ای



جدید بود که به اجرای طرح صهیونیستی کمک می کرد. تجربیات قبلی وایزمن نشان می داد که این مهم از طریق صندوق تأسیس فلسطین (Palestine Foundation Fund)<sup>۱۶</sup> به دست می آید. افزون بر این، پس از گسترش آژانس، شدت مخالفت یهودیان ضد صهیونیسم، با مشاهده فعالیت بعضی از همقطاران غیر صهیونیست خود در کنار صهیونیست ها به منظور تحقق اهداف صهیونیستی، کاهش خواهد یافت. همچنین، اقدام جامعه ملل در به رسمیت شناختن آژانس گسترش یافته یهود - یعنی آژانس نماینده یهودیان جهان - موقعیت صهیونیست ها را در گفت و گو با دولت ها و شخصیت های رسمی خارجی تقویت کرد. در ۱۳ فوریه ۱۹۲۷، پل گدمن، یکی از یهودیان صهیونیست انگلیس، در سخنرانی در جلسه شورای صهیونیسم، این مسئله را مطرح کرد و افزود که «از هنگام برگزاری سیزدهمین کنگره صهیونیسم در سال ۱۹۲۳، مسئله گسترش آژانس یهود، همواره در سیاست داخلی سازمان جهانی صهیونیسم مطرح بوده است، حتی در بحث های ویژه دولت انگلیس در فلسطین نیز این پرسش مطرح شد که آیا آژانس در حالت همزیستی با سازمان جهانی صهیونیسم، باقی خواهد ماند یا اینکه - در چارچوب اجرای مفاد سند قیمومیت - گامهایی برای ایجاد نوعی یکپارچگی میان سازمانهای یهودی برداشته خواهد شد تا در صورت عملی شدن احتمال دوم، آژانس، نماینده همه ملت یهود شود. این، دستاوردی فوق العاده برای یهودیان است زیرا ملت های جهان، آنها را ملتی زنده می شناسند که جامعه ملل فرصت داشتن نمایندگی رسمی در شکل آژانس یهود را - که رودرروی دولت قیمومیت می ایستد - به ایشان داده است.»<sup>۱۷</sup>

عامل مهمتر در گسترش آژانس، این بود که مشارکت یهودیان غیر صهیونیست می توانست منابع مالی جدیدی را برای فرآیند یهودی کردن فلسطین فراهم آورد. در ۱۷ ژوئن ۱۹۲۳، وایزمن در سخنرانی خود در بیست و ششمین نشست سازمان جهانی صهیونیسم که در بالتیمور ایالات متحده برگزار شد به سنگینی بار مالی بر دوش صهیونیست ها اشاره کرد و پاره ای از پیامدهای ناشی از ناتوانی صهیونیست ها را در برآوردن مستلزمات سازندگی برشمرد «زیرا فعالیت صهیونیستی در فلسطین به کندی پیش می رود، تا جایی که پرداخت حقوق معلمان برای چندین ماه به تعویق افتاده است و هالوتزیم [=

پیشگامان] در معرض گرسنگی قرار گرفته اند.» وی خاطر نشان ساخت که «سازمان صهیونیسم باید بخشی از بار خود را به دیگران واگذار کند.»<sup>۱۸</sup> وایزمن گوشزد کرد که او به رهبران گروههای آمریکایی که شاهرگ کمیته توزیع مشترک را تشکیل می دهند، می اندیشد و چشم به اعانه های سخاوتمندانه آنان دارد. در سیزدهمین کنگره صهیونیسم، وایزمن در سخنرانی خود در جلسه ۱۵ اوت ۱۹۲۳، انگیزه های گسترش آژانس را توضیح داد و گفت: «در صورتی که آژانسی یهودی، شکلی را که توضیح داده ام، به خود بگیرد، قدرت و هیبت جدیدی به ما خواهد داد که به صورت مجاری تغذیه کننده شاخه های سیاسی و اقتصادی ما منعکس خواهد شد. ضرورت دارد که بدون تأخیر گامهایی مناسب برای تشکیل آژانس یهود برداشته شود. شکست مذاکراتی که باید در آینده نزدیک انجام شود، پیامد حزن انگیزی خواهد داشت. ضروری است که مصوبات این کنگره در ارتباط با این مسئله حیاتی و مهم، چارچوبی به خود گیرد که بر قدرت کامل سازمان صهیونیسم در تحقق سریع برخی نتایج ثابت تأکید کند.»<sup>۱۹</sup> به همین دلیل، وایزمن، مخالفت برخی صهیونیست ها را با طرح گسترش، چیزی نامأنوس دید و آنان را به تندروی و دشمنی با دموکراسی متهم ساخت و در همان حال از حامیان طرح، ابراز رضایت کرد و آنان را افرادی دارای تجربه عملی در وضعیت فلسطین و درک نیاز به کسب منابع مالی جدید برای ادامه فعالیت دانست. هر چند موافقان، معتقد بودند که فرآیند گسترش با برخی خطرات، مواجه می شود لیکن در این مورد با وایزمن هم نظر بودند که چشمپوشی از گروههای آمریکایی قدرتمند و دارای توانایی تحمل مسئولیت اشتباهی فاحش است، به ویژه با توجه به اینکه کمیته توزیع مشترک، دستخوش برخی نقاط ضعف بود.<sup>۲۰</sup>

بحران اقتصادی در فلسطین شدت و گسترش یافت و میزان بیکاری افزایش پیدا کرد. به عقیده وایزمن، ساختن کشور یهود از فعالیت روزمره در فلسطین تحقق می یابد. به همین سبب، وی به بهره جویی از بیشترین میزان ممکن از تواناییهای یهودیان جهان به منظور فعالیت در اسکان ایشان در فلسطین چشم دوخت. بی تردید او به آن دسته از یهودیان ثروتمند و با نفوذی می نگریست که ایدئولوژی صهیونیسم را به این دلیل نپذیرفته بودند که این امر به

زیان اوضاع اجتماعی و اقتصادی آنان بود؛ در عین حال این افراد تمایل داشتند که افراد فعالی در زمینه اسکان یهودیان شرق اروپا و خواهان سکونت در فلسطین باشند. تحقق تمایل مبرم وایزمن از راه استعانت از پول و نفوذ این ثروتمندان در چارچوب تشکیلاتی یهودی، شامل یهودیان صهیونیست و غیر صهیونیست، عملی می شد.<sup>۲۱</sup>

### ترویج طرح گسترش آژانس یهود در میان محافل صهیونیستی

در برابر وایزمن و گروه کارش، راه پیشبرد طرح گسترش آژانس هموار نبود، بلکه آنان برای دستیابی به موفقیت می بایست موانع سر راه خود را کنار می زدند، زیرا جناح‌های صهیونیست با اصل شرکت دادن یهودیان غیر صهیونیست در فعالیت‌های صهیونیستی مخالفت می کردند؛ همچنین، متقاعد ساختن یهودیان جهان به یاری دادن فعالیت صهیونیستی نیز آسان نبود. این امر، ایجاب می کرد که تلاش‌هایی در عرصه صهیونیسم جهانی انجام شود تا صهیونیست‌هایی که به گونه‌ای مخالف بودند، دست از مخالفت خود بردارند، ضمن آنکه جذب عناصر یهودی غیر صهیونیست به سمت تحقق اهداف صهیونیستی، ادامه یابد. موضوع گسترش برای این افراد که واقعیت فرآیند یهودی کردن را به طور مستقیم درک می کردند، ضرورتی مبرم بود. به همین دلیل آنان همه ثقل خود را به سمت ترویج طرح گسترش معطوف کردند و نتایج تلاش آنان به زودی آشکار شد؛ از جمله اینکه در ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۲، کمیته اجرایی صهیونیسم به مناسبت تصویب سند قیومیت از سوی شورای جامعه ملل، بیانیه‌ای به امضای وایزمن، رییس سازمان جهانی صهیونیسم و ناحوم ساکولو، رییس کمیته اجرایی صهیونیسم، صادر کرد و در آن، بر ماده چهارم سند قیومیت که خواستار تشکیل آژانس یهود به صورت گسترش یافته بود، تأکید نمود.<sup>۲۲</sup> هنگامی که شورای مرکزی صهیونیسم، کنگره خود را در سال ۱۹۲۲ در کارلسباد برگزار کرد، روشن شد که طرح آژانس گسترش یافته یهود هنوز در ذهن اعضا تبلور نیافته است. برخی گفتند مادام که سازمان صهیونیسم بار آژانس یهود را بر دوش گرفته، باید بپذیرد که این بار را به مقصد برساند و در همان حال، باید راه خود را به سوی بهره جویی از همکاری غیر صهیونیست‌ها متحول کند. به دنبال این بحث‌ها احساس

شد که برگزاری کنگره عمومی یهودیان به منظور تحقق این همکاری ضرورت دارد. در این کنگره، وایزمن سخنرانی کرد<sup>۲۳</sup> و توجه اعضا را به مسئله آژانس گسترش یافته یهود جلب کرد. وی تأکید کرد: «خواستار وظیفه ما این است که آژانس یهود را عامل وحدت همه ملت یهود قرار دهیم، زیرا کسانی که در حوزه هویت یهودی زندگی و فعالیت می کنند باید نماینده ای در آژانس یهود داشته باشند. وظیفه کنگره، این است که در پی یافتن روشها و راهکارهایی باشد که کمیته اجرایی را به قدرت لازم برای تحقق این هدف بزرگ مجهز سازد. ما باید با سازمانهای بزرگ یهودی ارتباط برقرار کنیم تا همکاری آنها را در سرزمین فلسطین به دست آوریم. من معتقدم که این تلاشها ممکن است با برگزاری کنگره جهانی یهودیان به اوج خود برسد.»<sup>۲۴</sup> کنگره جلسه روز ۲۸ اوت را برای بحث درباره تصمیمات سیاسی ویژه آژانس یهود مشخص کرد. در این جلسه، چند طرح، تقدیم کنگره شد که متضمن به رسمیت شناختن سازمان صهیونیسم به عنوان آژانس یهود و اعلام تمایل به برقراری ارتباط با دیگر سازمانها و تشکیلات یهودی - به منظور شرکت دادن ایشان در فعالیت آژانس - بود و در این مورد، پیشنهاد شد که کنگره عمومی یهودیان برگزار شود. برخی از اعضا به پیشنهاد برگزاری کنگره مزبور اعتراض کردند، اما اوسشکین آن را تنها وسیله برای پایه گذاری زیربنای همکاری میان همه سازمانهای یهودی - که قدری توجه به مسئله یهودی کردن فلسطین دارند - قلمداد کرد. ساکولو بر این اساس، از برگزاری کنگره حمایت کرد که برخی از اعضا، آن را مطلوب دانسته اند؛ از طرف دیگر، تشکیل کنگره را وسیله ای عملی می دانست.

با این همه، وی اشاره کرد که پیش از برگزاری کنگره باید برخی اقدامات در چارچوب برنامه صهیونیستی که ممکن است دو یا سه سال به درازا بینجامد، صورت پذیرد. ساکولو، شاید برای جلب رضایت مخالفان، گوشزد کرد که این کنگره، جایگزین کنگره عمومی صهیونیسم - که باید به روش معمول برگزار شود - نخواهد شد و سازمان صهیونیسم باید در این مدت برای برقراری رابطه همکاری با شخصیت‌های یهودی مشخصی که کمک آنان ارزشمند شمرده می شود، اقدام کند. اوسشکین در زمینه تعویق برگزاری کنگره با ساکولو اختلاف پیدا کرد و خواهان ضرورت برگزاری فوری آن - البته اگر تصمیم به اجرای این طرح

در میان باشد - شد.<sup>۲۵</sup> شاید اوسشکین بیم داشت که ظرف مدت پیشنهاد شده برای انجام مقدمات، صهیونیست‌های مخالف مجالی برای تحرک پیدا کنند. صبح روز بعد، یعنی ۲۹ اوت، بحث موضوع گسترش آژانس یهود از سر گرفته شد و مخالفان، به رهبری چین فیشر، بر این اساس که دموکراسی یهودی، تفاوتی میان یهودی فقیر و یهودی ثروتمند قایل نشده، ضمن اعتراض به این طرح، خواستار آن شدند که کنگره عمومی صهیونیسم در مورد گسترش آژانس تصمیم بگیرد و نه کنگره پیشنهادی یهودیان.<sup>۲۶</sup> در جلسه شامگاه ۳۱ اوت، وایزمن به اعضا پیشنهاد کرد که این تصمیمات را تصویب کنند: ۱. شورای مرکزی صهیونیسم با خرسندی عمیق، از ماده چهارم سند قیمومیت فلسطین استقبال می‌کند؛ ۲. شورای مرکزی صهیونیسم اعلام می‌کند که سازمان صهیونیسم با اختیارات و وظایف آژانس یهود موافقت می‌کند و کمیته اجرایی صهیونیستی در امور فلسطین، مسئولیت آژانس یهود را به عهده می‌گیرد؛ ۳. شورای مرکزی باید دستور العمل آماده سازی برای برگزاری کنگره صهیونیسم را در تابستان ۱۹۲۳ به کمیته اجرایی ابلاغ کند؛ ۴. شورای مرکزی صهیونیسم باید به منظور پیگیری اجرای ماده چهارم سند قیمومیت، کمیته اجرایی را مأمور کند که تلاش ممکن را - برای جلب همکاری همه یهودیان مصمم به یاری دادن به موطن ملی یهود - انجام دهد. شورا همچنین تمایل سازمان صهیونیسم را برای پذیرش اینکه آژانس یهود، نماینده همه ملت یهود باشد، اعلام کند؛ ۵. شورای مرکزی به کمیته مرکزی دستور دهد که گام‌های مقدماتی برگزاری کنگره جهانی یهودیان را به منظور بازسازی موطن ملی یهود در فلسطین بردارد. این کمیته باید گزارشی در این زمینه تنظیم و آن را در پایان سال جاری به کمیته کار ارایه کند.<sup>۲۷</sup>

جناح مخالف در برابر این تصمیمات ایستادگی کرد، اما این اقدام، تلاشهایی را که بعدها نیز ادامه یافت کاهش نداد تا اینکه کمیته کار صهیونیسم در ژوئن ۱۹۲۳، اعلامیه تصمیمات زیر را صادر کرد: «کمیته کار پس از استماع گزارش کمیته اجرایی و اظهارات رییس آن، اعلام می‌کند که اصل ثابت مذاکراتی که از اکنون تا زمان برگزاری کنگره عمومی صهیونیسم با برخی از نمایندگان جناحهای غیر صهیونیست، در زمینه مشارکت آنها در استرداد فلسطین انجام می‌گیرد، بر این پایه استوار است که دستگاه اداره کننده آژانس یهود در برابر سازمانی به

نماینده‌گی ملت یهود مسئول خواهد بود. کمیته کار در صدد تعیین پنج عضو<sup>۲۸</sup> است که به همراه نمایندگان کمیته اجرایی، کمیته‌ای به منظور بررسی همه مشکلات مربوط به موضوع آژانس را تشکیل می‌دهند، به شرطی که این کمیته پس از برگزاری جلسه کمیته کار، تشکیل جلسه دهد و نتایج بررسی خود را به عنوان طرحی آزمایشی برای موضوع آژانس یهود - تا پیش از برگزاری کنگره عمومی صهیونیسم - به کمیته‌های اجرایی و کار ارایه نماید. هر چند این تصمیم، یک پیروزی برای طرفداران طرح گسترش شمرده می‌شد، اما آنان خواهان موافقت با برگزاری کنگره جهانی یهودیان برای بررسی این طرح بودند. با این حال، پس از آنکه، در نشست کمیته با هرگونه اقدام به منظور شرکت دادن غیر صهیونیست‌ها در آژانس یهود به شدت مخالفت شد، گزارشی توسط کمیته اجرایی ارایه شد که در بخشی از آن آمده است: «پیش بینی نمی‌شود که برگزاری کنگره جهانی یهودیان در حال حاضر، امکان پذیر باشد.» در این زمینه، گرین پوم، رهبر مخالفان گزارشی ارایه کرد و اعضای میزراخی<sup>۲۹</sup> نیز از وی پشتیبانی کردند.<sup>۳۰</sup> در یکی از جلسه‌های کنگره صهیونیسم<sup>۳۱</sup> در سال ۱۹۲۳، وایزمن با تشریح طرح همکاری میان یهودیان صهیونیست و غیر صهیونیست، فداکاریهای یهودیان غیر صهیونیست آمریکا را خاطر نشان ساخت. او درباره چگونگی جذب غیر صهیونیست‌ها در چارچوب اتحادیه «صهیونیست - غیر صهیونیست» سخن گفت و پرسید: «آیا تحقق این اتحادیه ممکن است؟» و پاسخ داد: «نمی‌دانم، اما معتقدم که در این مرحله، وظیفه والای ما این است که در چنین اتحادیه‌ای دست به دست همدیگر دهیم.» پس از وایزمن، ناحوم ساکولو سخنانی کرد و خواستار آن شد که کنگره، موضع خود را پیش از پایان کارش اعلام کند، زیرا اساسنامه آژانس یهود و مشکل تحقق همکاری با غیر صهیونیست‌ها باید مورد توجه اعضای کنگره قرار گیرد. وی افزود: «این مشکل همواره در چارچوب طرح‌های ما بوده، زیرا طرح همکاری همه سازمانهای یهودی برای سازندگی فلسطین در بحثها و مشورتهای قبلی سازمان صهیونیسم قرار داشته و تلاشهایی در این جهت صورت گرفته که موفقیتی نداشته، اما موجب باقی ماندن این طرح شده است.»

ساکولو همچنین خاطر نشان ساخت که «یهودیان امید زیادی به فعالیت صهیونیستی در سایه قیمومیت انگلیس بر فلسطین بسته اند، ولی صهیونیست‌ها به تنهایی نمی‌توانند این

بار سنگین را بر دوش کشند. این مشکل به وسیله جذب کمک برخی گروه‌های غیرصهیونیست از زمان تأسیس کارن هایسود حل شد.<sup>۳۱</sup> صهیونیست‌ها از طریق این مؤسسه می‌توانند گام بزرگی را در مورد جذب غیرصهیونیست‌ها به اردوگاه خود بردارند و در همان حال، سازمان جهانی صهیونیسم نیز می‌تواند اختیارات و قدرت پیش برنده خویش را حفظ کند. این حرکت، صهیونیست‌ها را از اصول خود دور نمی‌سازد، زیرا می‌توانند همچنان عقاید خود را حفظ کنند، ضمن آنکه نباید اعتماد و همدلی کسانی را که به عنوان نمایندگان سازمانهای خواهان مشارکت در فعالیت و تحمل مسئولیت هستند، رد کنند. در واقع، صهیونیست‌ها با این اقدام، طیف جذب کسانی را که دست یاری به سوی سازندگی فلسطین یهودی شده دراز می‌کنند گسترش می‌دهند.<sup>۳۲</sup> در جلسه‌ای که در پشت درهای بسته و با حضور نمایندگان هیأت‌های مخالف تشکیل شد، وایزمن تأکید کرد که مسئله گسترش آژانس به وسیله واقعیت سیاسی و اقتصادی موجود تحمیل شده است و دولت قیمومیت نیز به تحقق گسترش آژانس توجه دارد. وی افزود: «در فلسطین، ملتی وجود دارد، اما پول نیز لازم است. اگر آژانس یهود گسترش یابد، می‌توانیم رشد کارن هایسود را تضمین کنیم و همچنین کمیته‌های توزیع مشترک و یهودیان آمریکا و دیگر سازمانها و جمعیت‌های یهودی آمریکا را جذب کنیم.»<sup>۳۴</sup> ظاهراً جناح وایزمن، در این مرحله، در مورد کاهش شدت مخالف صهیونیست‌ها موفقیت‌هایی به دست آورد و همان طوری که ناظران پیش بینی می‌کردند دو طرف به توافقی دست یافتند. صهیونیست‌های آمریکا بهترین یاور وایزمن بودند، زیرا گروهی از آنان<sup>۳۵</sup> برگزیده شدند تا با او در فعالیت برای گسترش آژانس یهود، دست کم با توجه به پیشنهاد‌های طرف آمریکایی، مشارکت کنند.<sup>۳۶</sup> بعدها نشانه‌های همزیستی آشکار شد.

در یازدهمین جلسه کنگره<sup>۳۷</sup> چند تن از اعضای هیأت‌های لهستانی، رومانیایی و اتریشی، موافقت خود را اعلام کردند، در حالی که برودتسکی اشاره کرد که بعضی از یهودیان غیر صهیونیست کاملاً به این اصل معتقدند که ضروری است فعالیت صهیونیستی در فلسطین، نقشی ملی-یهودی به خود گیرد. همچنین عضو دیگری تأکید کرد که گسترش آژانس، موجب محدودیت قلمرو صهیونیسم در سیاست طبیعی تکامل صهیونیستی خواهد

شد. در حالی که لئون ریخ، صهیونیست لهستانی، با یادآوری طرح ارایه شده به کنگره صهیونیست های انگلیس که در سال ۱۹۲۰ در لندن برگزار شده - و شامل عناصری جدید و فراهم آورنده قدرت و استحکام برای فعالیت صهیونیستی بود - افزود: «زمان آن فرا رسیده است تا صهیونیست ها و غیر صهیونیست ها در سازندگی فلسطین یهودی فعالیت کنند.» اوسشکن اشاره کرد که تمایل به گسترش آژانس همزمان با احساس ضرورت تجدید مودت صهیونیستی و همچنین فراهم آوردن فرصت برای رهبران صهیونیست به وجود آمده است تا فعالیت خود را فراتر از مرزهای سنتی گسترش دهند.<sup>۳۸</sup>

جلسه های کنگره سال ۱۹۲۳ در حالی پایان یافت که این مسئله هنوز در دست بررسی مانده بود. پس از آن، کمیته های اجرایی و کار به طور جداگانه چند جلسه را برگزار کردند، اما شرکت کنندگان در این جلسات به هیچ توافقی دست نیافتند. در جلسه کمیته کار که در اکتبر ۱۹۲۳ در دفتر مرکزی سازمان صهیونیسم برگزار شد، فایول - نماینده کمیته اجرایی - در جلسه ویژه پیشنهاد انگلیس در مورد تشکیل یک آژانس عرب مانند آژانس یهود، پیشنهاد ویژه گسترش را ارایه کرد. پیشنهاد وی اساساً از مصوبات سیزدهمین کنگره صهیونیسم الهام می گرفت و شامل تشکیل شورایی برای اداره آژانس یهود بود که نمایندگان گروه های زیر در آن عضویت دارند: ۱. سازمان جهانی صهیونیسم؛ ۲. کارن هایسود؛ ۳. سازمان های جهانی یهودیان؛ ۴. کنگره های یهودی که در کشورهای مختلف به منظور بررسی گسترش آژانس تشکیل شده اند. پس از بحث درباره این پیشنهاد، قرار شد که کمیسیونی فرعی تشکیل شود تا پس از بررسی پیشنهاد یاد شده، گزارشی در این زمینه ارایه نمایند.<sup>۳۹</sup> در ژوئیه ۱۹۲۴، کمیته کار صهیونیسم جلسه ای در پشت درهای بسته تشکیل داد تا مسئله گسترش آژانس را بررسی کند. یکی از اعضای کمیته<sup>۴۰</sup> از طرح گسترش دفاع کرد و خواستار جایگزین کردن کلمه یهود به جای صهیونیست شد تا نشانه ای از این باشد که همه ملت یهود مسئولیت سازندگی فلسطین را بر دوش گرفته اند. در نتیجه، این اقدام موجب افزایش جمع آوری کمک مالی و جذب افرادی توانا در مدیریت فرآیند استعمار فلسطین خواهد شد.<sup>۴۱</sup> در یکی از جلسات کنگره صهیونیسم در سال ۱۹۲۵، وایزمن خواستار آن شد



که کمیته اجرایی به اعلامیه لندن در مورد گسترش آژانس یهود پایبند باشد و همچنین، کنگره ساختار آژانس یهود را به روشنی تصویب کند. وی خاطر نشان ساخت که با هرگونه ابهام در این شکل - خواه آژانس گسترش یافته باشد یا نباشد - موافقت نمی کند. وایزمن آنگاه جزئیات مذاکرات انجام شده در ایالات متحده و انگلیس در زمینه گسترش را تشریح کرد و در پایان گفت که اساسنامه آژانس باید به مدت سه یا چهار سال مورد آزمایش و بازنگری قرار گیرد.<sup>۴۲</sup>

طرح گسترش آژانس همچنان ادامه یافت و در برخی کشورها، تشکیلاتی صهیونیستی برای تحقق این هدف، تشکیل شدند، مانند کمیته یاران فلسطین که در سال ۱۹۲۷ در آلمان تشکیل شد.<sup>۴۳</sup> این کمیته در سالهای بعد، این مسئله را برای بحث در افکار عمومی یهودیان مطرح کرد و اقداماتی نیز انجام داد؛ از جمله این اقدامات، سخنرانی لئون سیمون در زمینه آژانس یهود، در باشگاه انگلیس و فلسطین بود. سیمون در سخنرانی خود خواستار لزوم اصلاح طرح آژانس یا تشکیل یک آژانس جدید یهود شد.<sup>۴۴</sup> همچنین پل گدمن در نشستی که صهیونیست‌ها آن را در سال ۱۹۲۷ در لندن برگزار کردند، سخنرانی کرد و تأکید نمود که سازمان صهیونیسم از طریق ملحق ساختن برخی افراد غیر صهیونیست که مجموعاً نصف تعداد کرسیهای شورا و کمیته‌های آژانس را در اختیار خواهند گرفت، در صدد گسترش دادن آژانس است. وی از صهیونیست‌ها خواست که واقعیت موجود را بررسی و به احتمالات آینده توجه کنند.<sup>۴۵</sup> در نشستی که اتحادیه صهیونیست‌های انگلیس آن را در سال ۱۹۲۹ برگزار کرد، لئونارد اشتاین، دبیر سیاسی سازمان جهانی صهیونیسم، به مذاکرات وایزمن با جناحهای یهودیان انگلیسی صهیونیسم اشاره کرد و گفت که این مذاکرات، پیش از آغاز گفت و گوهای صهیونیست‌ها با مسئولان انگلیسی که صدور اعلامیه بالفور را در سال ۱۹۱۷ در پی داشت، سبب ایجاد وحدت میان یهودیان انگلیس شده بود. اشتاین افزود که اندیشه همکاری میان صهیونیست‌ها و غیر صهیونیست‌ها از بُعد زمانی به پیش از جنگ جهانی اول باز می‌گردد. وی ادعا کرد که «غیر صهیونیست، دشمن صهیونیست نیست و غیر صهیونیست‌ها اقدامی خنثی کننده در برابر گسترش آژانس یهود انجام نداده‌اند.»<sup>۴۶</sup> وایزمن که به کانونهای یهودیان جهان رفت و آمد می‌کرد و اندیشه گسترش آژانس یهود را مطرح

می نمود، در ۲۶ ژوئن ۱۹۲۹، بیانیه ای خطاب به اعضای سازمان جهانی صهیونیسم صادر کرد. این بیانیه، پیش از برگزاری کنگره صهیونیسم - که تصمیم نهایی گسترش آژانس را تصویب کرد - صادر شد و در بخشی از آن آمده بود: «می توان گفت که مادام که گسترش آژانس [یهود] به این معنا است که تعداد زیادی از یهودیان که (تاکنون) نقش فعالی در جنبش ما نداشته اند، (اکنون) پس از شنیدن و لمس کردن آنچه ما برای ایجاد فلسطین نوین انجام داده ایم، به شدت به حرکت درآمده و خواهان فعالیت به همراه ما شده اند، گسترش آژانس، یک پیروزی برای جنبش صهیونیستی است. سازمان صهیونیسم، تمایلی به این امر ندارد و مدعی داشتن نقش انحصاری در فلسطین نیست، برعکس، نشان دادن همکاری مداوم و هماهنگ با شریکان خود در آژانس، همان چیزی است که از صمیم قلب از آن استقبال می کنیم. اگر دیگران آماده مشارکت در پذیرفتن مسئولیت و گرفتن امتیازات در چارچوب آژانس یهود باشند، این اقدام به معنای هیچ تغییری در تحرک و اهداف ما نیست و زیربنای عقاید صهیونیستی ما همچنان دست نخورده می ماند. نباید فراموش کنیم که سازمان صهیونیسم باید نقش بزرگی در فعالیت علمی آژانس گسترش یافته یهود ایفا کند.»<sup>۴۷</sup>

### مخالفان گسترش آژانس یهود

وایزمن در کنگره یهودی که در دسامبر ۱۹۲۶ برای جمع آوری کمک به منظور سازندگی فلسطین در بوستون برگزار شد، سخنرانی کرد و در بخشی از سخنرانی خود گفت که مخالفت با طرح گسترش آژانس یهود از دو جناح اصلی سرچشمه می گیرد: جناح صهیونیست ها و جناح گسترده یهودیان غیر صهیونیست. وایزمن معتقد بود که نخستین جناح، شامل «دوستان» می شود که بیم دارند روحیه لابلایگری در میان محافل صهیونیستی رواج پیدا کند و سازمان صهیونیسم دچار ضعف شود و صهیونیست ها باید این را در نظر گیرند. دومین جناح، مرکب از یهودیانی است که در مسکو، رم و مناطق دیگری از جهان سکونت دارند و توجهی به فلسطین یا به سرنوشت و آینده یهودیان جهان نشان نمی دهند، بلکه برای اسکان یهودیان روسی در روسیه فعالیت می کنند و با این اقدام، در صدد برانگیختن

روحیه دودستگی در میان بنی اسرائیل هستند. به همین دلیل، این جناح، تشکیل آژانس گسترش یافته یهود را نمادی برای وحدت یهودیان می داند که باید با آن مبارزه کند.<sup>۴۸</sup> جاکوب هس، دبیر جامعه بازگشت به هرتزل، دیدگاه مخالفان یهودی غیر صهیونیست را مطرح کرد و گفت که آژانس یهود به حکم تشکیل خود - آنگونه که در سند قیمومیت آمده است - اختیارات محدودی دارد و بیشتر به آژانسی برای دولت فلسطین شباهت دارد تا آژانسی برای یهودی ها، زیرا نهادهای اجرایی آن همیشه تابع دولت فلسطین هستند. به علاوه، در اشاره به یهودیان غیر صهیونیست از زبان دیپلماتیک استفاده شده است، زیرا ایشان یهودیانی شمرده شده اند که در صدد یاری دادن برای سازندگی فلسطین یهودی شده هستند. این بدان معناست که آنان باید در گمنامی بمانند. به عبارتی، حضورشان حاشیه ای است و دیدگاهشان برای سازمان صهیونیسم فقط جنبه مشورتی دارد، زیرا اگر قرار باشد دولت فلسطین گفت و گویی انجام دهد، این مذاکره را باید فقط با نمایندگان سازمان صهیونیسم برگزار کند و هیچ پیوندی با هر سازمان دیگر، جز سازمان جهانی صهیونیسم نداشته باشد.<sup>۴۹</sup> سازمان جهانی یهود (آگودات اسرائیل)<sup>۵۰</sup> کوشید تا روابطی رسمی با دولت قیمومیت بر فلسطین برقرار کند، چنانکه شورای این سازمان تصمیم گرفت هیأتی از دفتر مرکزی خود در لندن را به اجلاس شورای جامعه ملل بفرستد تا خواسته های خود را در مورد نظام قیمومیت بر فلسطین ارایه کند. این هیأت، یادداشتی به شورای جامعه ملل تقدیم کرد که متضمن درخواست یهودیان ارتدوکس برای مشارکت واقعی در یهودی کردن فلسطین بود. سازمان جهانی یهود در یادداشت خود عواملی را که موجب فعالیت جداگانه اش از سازمان جهانی صهیونیسم شده، برشمرد و پیشنهاد کرد که شورای جامعه ملل با شرکت نمایندگان سازمانهای یهودی - دارنده علایق تاریخی به ساختن موطن ملی یهود در فلسطین - در آژانس یهود موافقت کند.

یادداشت آگودات اسرائیل نیز متضمن این درخواست بود که شورای جامعه ملل بیانیه ای صادر کند و در آن تأکید نماید که (به زودی) فرصت بازسازی آژانس یهود به گونه ای فراهم می شود که اجازه شرکت نمایندگان از یهودیان ارتدوکس در تشکیلات آن را می دهد.<sup>۵۱</sup> جاکوب هس پیشنهاد برگزاری کنگره جهانی یهودیان را که جناح وایزمن خواستار

آن بوده تا طرح گسترش آژانس به وسیله آن تصویب شود، محکوم کرد، زیرا این حقیقت، روشن بود که ساختار داخلی آژانس به گونه‌ای طراحی خواهد شد که در شکل و محتوا، آژانسی صهیونیستی باقی بماند. وی گوشزد کرد که تلاش سازمان صهیونیسم برای جلب همکاری یهودیان به سود جنبش جهانی صهیونیسم است و نه به سود آژانس، چرا که مسئولان سازمان صهیونیسم، با موافقت دولت انگلیس، می‌توانند اساسنامه آژانس را تغییر دهند. به طوری که ایکا،<sup>۵۲</sup> انجمن یهودیان امریکا، سازمان نمایندگان یهودیان انگلیس و دیگر گروه‌های یهودی غیر صهیونیست، همانند اقماری در منظومه سازمان جهانی صهیونیسم در خواهند آمد. جاکوب هس - به عنوان یک صهیونیست - اعتراف کرد که این تفسیر را می‌پذیرد، اما توجه صهیونیست‌ها را به این موضوع جلب نمود که اقدام یادشده در ماده چهارم سند قیومیت درج نشده است. معتقد بود که «فعالیت آژانس یهود فقط در توصیه دهی و ارایه مشورت به دولت فلسطین و همکاری با آن محدود نشده است و این، لزوماً ایجاب نمی‌کند که سازمان جدیدی تشکیل شود. در صورتی که مسئولان آژانس گسترش یافته در صدد تخطی از چارچوب فعالیت آژانس و کسب اختیارات جدید برآیند، آنگاه دولت فلسطین سد راه آنان خواهد شد، حتی دولت انگلیس، سازمانی را که احتمالاً با سیاستش در فلسطین مغایرت داشته باشد، به رسمیت نخواهد شناخت. هنگامی که دولت انگلیس با تشکیل سازمانی مشورتی موافقت کند، هیچگاه نمی‌پذیرد که این سازمان در موقعیت اشراف بر فعالیت کارن کایمت<sup>۵۳</sup> یا کارن هایسود یا شرکت اراضی فلسطین قرار گیرد.» جاکوب هس تأکید کرد که زمان آن فرا خواهد رسید که دولت انگلیس تصمیم بگیرد اعضای پومال زیون<sup>۵۴</sup> یا میزراخی را در مراکز کارشان در فلسطین نگه دارد یا آنها را از ادامه فعالیت باز دارد.<sup>۵۵</sup> در واقع، این تفکرات در ذهن برخی از یهودیان غیر صهیونیست نیز وجود داشت و این امر، موجب شد که اوسشکین در دهمین جلسه کنگره صهیونیسم در سال ۱۹۲۳ اعلام کند که تشکیلات غیر صهیونیستی که با سرمایه بارون ادموند روچیلد، ایکا و کمیته توزیع مشترک در زمینه‌های اقتصادی در فلسطین مشغول کار هستند، در صدد انجام فعالیت سیاسی در چارچوب آژانس یهود نیستند.<sup>۵۶</sup>

اندیشه تسلط صهیونیست ها بر آژانس یهود، اذهان تعدادی از رهبران یهودیان غیر صهیونیست را برای مدتی طولانی آشفته ساخت، چنانکه در نشست نمایندگان سازمان صهیونیست و سازمان کنگره غیر صهیونیستی یهودیان آمریکا که در نیویورک برگزار شد،<sup>۵۷</sup> در مورد مصوبه کنگره صهیونیسم - که در اوت ۱۹۲۵ در وین برگزار شده بود و شامل گسترش آژانس یهود پس از سه سال از تاریخ تصویب بود - بحث و گفت و گو شد. نمایندگان غیر صهیونیست، آشکارا به این مصوبه اعتراض کردند، زیرا بدون مشورت با مسئولان کنگره های غیر شرکت کننده در فعالیت صهیونیستی که چند سازمان یهودی غیر صهیونیست را در بر می گرفت و در فوریه ۱۹۲۴ و مارس ۱۹۲۵ دو کنگره عمومی را برگزار کرده بودند، گرفته شده بود. مصوبه مزبور قاطعانه اعلام کرد که سازمان صهیونیسم، خواه گسترش یافته و خواه گسترش نیافته باشد، خود را در وضعیت مسلط بر آژانس یهود قرار می دهد.<sup>۵۸</sup> در حالی که یهودیان غیر صهیونیست نسبت به تسلط و نفوذ صهیونیست ها بر آژانس گسترش یافته یهود، احساس بیم می کردند، برخی از رهبران صهیونیست ها می ترسیدند که مداخله تشکیلات یهودی غیر صهیونیست در امور فعالیت صهیونیستی در فلسطین به گونه ای باشد که دستاوردهای تحقق یافته بر اثر تشکیل سازمان جهانی صهیونیست را بر باد دهد. این افراد گمان می کردند تلاشهایی که تا هنگام کسب اعلامیه بالفور و سند قیمومیت صورت گرفته، پس از گسترش آژانس به حساب دیگران گذاشته شود، زیرا دیگران با پول و نفوذ سیاسی در زمینه یهودی کردن فلسطین مشارکت خواهند کرد. آنچه نگرانی صهیونیست ها را افزایش می داد این بود که ثروتمندان یهودی که سازمان صهیونیسم برای جذب آنان تلاش می کرد، اغلب در گروههای یهود ادغام گرا و آزاد از هر تفکر صهیونیستی عضویت داشتند.

همچنین، بیشترشان توانسته بودند به مناصب مهمی در کشور محل زندگی برسند و منافعی داشتند که قربانی کردن آنها در راه «بازگشت» به فلسطین برایشان دشوار بود. به علاوه، از امتیازاتی برخوردار بودند که دریغ داشتند از آنها چشم ببوشند، به ویژه پس از آنکه تلخی محرومیت از این امتیازات را چشیده بودند. این افراد بر این باور بودند که توانایی خو گرفتن با جامعه محل زندگی و سازگاری با سنتهای آن را دارند و بیمناک بودند که جنبش

صهیونیسم پایه های موجودیت سیاسی و اجتماعی آنان را در صورت خودداری از مهاجرت به «موطن ملی» - البته پس از موفقیت در تشکیل آن - بر هم بزند. به همین دلیل، همکاری با جنبش مزبور را رد کردند و پیرو گرایشی شدند که خواهان اسکان ندادن یهودیان در جایی مشخص بود. آنان همچنین، معتقد بودند که «استرداد صهیون»، یک رویای مذهبی صرف است و مهاجرت یهودیان به فلسطین به خاطر انگیزه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می باشد. یهودیان ادغام گرا گوشزد کردند ملتی کوچک که افراد آن با یکدیگر پیوندهایی سیاسی بر سرزمینی یکپارچه ندارند، نمی تواند از استقلال موفقیت آمیز برخوردار شود. آنان پیش بینی کردند که در صورت آغاز تلاش برای تشکیل موطن ملی یا کشور مستقل جدید به وسیله «ملتی» که قریب دوهزار سال در تبعید به سر برده، موجب پیدایش دشواریهای بی شماری می شود، به ویژه آنکه یهودیان فاقد تجربه لازم برای اداره امور و حکومت هستند. با گذشت زمان، این باور، رسوخ بیشتری یافت که یهودیان آمادگی دارند که بخشی از ملتهای محل زیست خود شوند. همچنین، گروهی از ایشان معتقد بودند که ملت یهود می تواند به عنوان قومی متمایز در خارج از میهن - به ویژه در کشورهای دارای شهرکهای بزرگ و دسته های متکلم به زبان بیدش - موجودیت پیدا کند، بی آنکه نیاز به مهاجرت به فلسطین باشد.<sup>۵۹</sup> این افراد، حفظ ویژگیهای یک ملت را برای یهودیان مردود شمردند و یهودیان را نماینده جامعه ای مذهبی دانستند. به همین دلیل، آنها «صهیون» را فقط نمادی مذهبی می دانستند و می گفتند که یهودیت ترقیخواه، تکامل یافته و از همان پیدایش خود، ویژگی جهان وطنی را داشته است. آنان معتقد بودند که فلسطین، پناهگاه خستگان و واماندگان نیست، بلکه فقط موطن روح یهودی است.<sup>۶۰</sup>

افزون بر این، ادغام گراها یقین پیدا کردند که به رسمیت شناختن موطن ملی یهود، موجب از دست رفتن حقوق و امتیازاتی می شود که آنان پس از تحصیل تابعیت مشخصی به دست آورده اند. آنان کاملاً معتقد شدند که تأسیس کشوری یهودی در فلسطین، قطعاً به بیدار ساختن روحیه دشمنی و نفرت فرقه های غیریهودی نسبت به یهودیان کشورهای متبوعشان می انجامد و این امر، سبب تغییر رفتار دولتها و مردم با یهودیان این کشورها خواهد

شد. آنان تا آنجا پیش رفتند که گفتند انتسابشان به دین یهود، اکتساب خودبه خودی تابعیت کشور پیشنهادی در فلسطین را در پی خواهد داشت، در حالی که این با انتساب آنان به تابعیت کشور محل زندگی مغایرت دارد. به دیگر سخن، وضعیتی که صهیونیسم در پی تحقق آن است، موجب می شود که یهودیان همه جا جز فلسطین، در کشورهای اصلی خودشان - در صورتی که از ترک آن خودداری کنند - بیگانه به نظر آیند. این وضعیت، سبب می شود که مردم، احساس تردید و بدگمانی نسبت به وفاداری یهودیان به کشور مورد انتساب پیدا کنند. از این رو، آنان نتیجه گرفتند که سرنوشت یهودیان، همواره مورد تهدید قرار می گیرد، به طوری که موقعیت سیاسی و اجتماعی‌شان از هر سو با خطر روبه رو شود. این افراد، دیدگاههایی منطقی نسبت به شرایط سیاسی و اجتماعی که جنبش صهیونیسم در چارچوب آن فعالیت می کرد ابراز کردند. این دیدگاهها بر حقایقی مشخص مستند بود؛ از قبیل اینکه یهودیان از بیست و اندی قرن پیش، فلسطین را ترک کرده اند و دیگر حق مشروعی در آن ندارند. همچنین، ممکن نیست که مردم فلسطین را پس از هزاران سال زیستن در آنجا بیرون راند. آنان معتقد بودند که حتی اگر عرب ها از فلسطین اخراج شوند، باز هم مساحت کوچک و امکانات اقتصادی محدود فلسطین، توانایی جذب همه یهودیان جهان را ندارد و در نتیجه، مشکل یهودیان حل نمی شود. پس، خیر و مصلحت یهودیان این است که فکر بازگشت به قدس را از ذهن خود دور کنند، البته اگر خواهان حفظ پیوند معنوی با سرزمین اسراییل - بدون استیلا بر آن - باشند. یهودیان صهیونیست نیز در مخالفت خود با گسترش آژانس، دلایل محکمی داشتند.

در هنگام برگزاری کنگره صهیونیسم سال ۱۹۲۳، مخالفت سختی با طرح گسترش آژانس ابراز شد، زیرا یک عضو کنگره<sup>۶۱</sup> در دهمین جلسه کنگره<sup>۶۲</sup> به نمایندگی از سوی هیستادروت، مخالفت خود را با طرح مزبور بر این پایه استوار کرد که «توهمی طرفداران گسترش را فراگرفته و گمان می کنند که طیف کمکهای مالی از راه گسترش آژانس فزونی می گیرد، در حالی که این، موجب زوال پایگاه مردمی سازمان صهیونیسم و نابودی شخصیت دموکراتش می شود.» پایه مخالفت یکی دیگر از اعضا<sup>۶۳</sup> این بود که «به بهانه تقویت نهاد ناظر

بر فعالیت در فلسطین به وسیله جذب برخی نوگرایان جوان، حقوق سازمان صهیونیسم که در سایه قیومیت بر فلسطین به دست آمده، به نهاد برگزیده دیگری - که نماینده ملت یهود خواهد بود و در کنگره جهانی یهودیان نمود پیدا کرده - انتقال می‌یابد.<sup>۶۴</sup> نماینده<sup>۶۵</sup> اهادورت هائووزا<sup>۶۶</sup> خاطر نشان ساخت که تجربه شرکت دادن غیر صهیونیست‌ها ناموفق بوده است. وی مواضع جناح براندیس و سازمان اقتصاد فلسطین را مثال آورد و تأکید کرد که تنها روش موفقیت آمیز، تقویت درون گروهی سازمان جهانی صهیونیسم است. یکی از نمایندگان صهیونیست‌های آمریکا در کنگره پرسید که چگونه ممکن است قلمرو فطرت‌گریزی صهیونیسم در میان گروههایی که اصلاً تفکر صهیونیستی را نمی‌پذیرند، گسترش یابد؟ این نماینده تأکید کرد که صهیونیست‌های آمریکایی از راه فعالیت خود تجربیاتی کسب کرده‌اند که موجب افزایش احساس خطر آنان شده که بر اثر گسترش آژانس [یهود] شاید در صورت شکل‌گیری براندیسیسم نوینی متوجه فعالیت صهیونیسم شود.<sup>۶۸</sup>

فعالیت صهیونیست‌های مخالف گسترش آژانس ادامه پیدا کرد و در کنگره سالانه اتحادیه صهیونیستی دانشگاهها که در سال ۱۹۲۹ در لندن برگزار شد، بحث تندی میان موافقان و مخالفان طرح گسترش در گرفت. صهیونیست‌های مخالف گفتند که جذب همه امکانات یهودیان جهان برای فعالیت صهیونیستی بسیار مهم است و صهیونیست‌ها از زمان تأسیس سازمان صهیونیسم به منظور تحقق این امر، تلاش کرده‌اند، اما وظیفه هر صهیونیست این است که به رهیافتی شفاف از نقش سازمان در زمینه احیای قومیت یهودی برسد. در این کنگره چند پرسش مطرح شد:<sup>۶۹</sup> آیا پس از گسترش آژانس، دو مؤسسه مالی - یعنی کارن‌هایسود و کارن‌کایمت - همچنان تابع ریاست کنگره صهیونیسم خواهند بود؟ اگر آژانس گسترش یافته یهود، اقدام در زمینه‌های استعمار، مهاجرت، آموزش و بهداشت را به عهده خواهد گرفت، پس کنگره صهیونیسم، پس از گسترش آژانس یهود، چه کاری انجام می‌دهد؟<sup>۷۰</sup> صهیونیست‌های مخالف، توافق مارشال - وایزمن<sup>۷۱</sup> را فرصتی برای تجدید فعالیت خود یافتند و اعلام کردند که «پیامد پذیرفتن توافق یاد شده، این است که سازمان صهیونیسم به جای قویتر شدن، ضعیفتر خواهد شد، زیرا دیدگاه آن، وزنه‌ای مهم نخواهد



داشت. به همین سبب، لازم است که صهیونیست‌ها - به طور اعم - و میزراحی‌ها - به طور اخص - اطمینان پیدا کنند که فلسطین باید بر اساس فلسفه صهیونیسم ساخته شود و نه به موجب سیاست غیر صهیونیست‌ها.<sup>۷۲</sup> به عقیده صهیونیست‌ها، ساختن فلسطین به معنای سازندگی ملت یهود است. شاید شرکت دادن غیر صهیونیست‌ها در ساختن فلسطین لزوماً بدان معنا نیست که فلسطین، کشوری یهودی می‌شود، بلکه این، هدفی است که غیر صهیونیست‌ها در راه حفظ دستاوردهای گذشته - پس از ادغام در جوامع محل زندگی خویش نیز - به تحقق آن امید داشته‌اند. به علاوه، شاید این امر، سبب تحقق نیافتن اکثریت عددی جمعیت یهودیان در فلسطین شود که این موضوع از نظر صهیونیست‌ها، شکلی کاملاً متفاوت با اسکان ملی دارد.<sup>۷۳</sup> این مسئله که سازماندهی فعالیت در فلسطین، رنگ و بوی ملی به خود گیرد، بر تفکر جوزف کوورین چیره بود. به همین دلیل، این پرسش حیرت‌انگیز در برابر او مطرح بود که چگونه غیر صهیونیست‌ها بر پایه‌هایی ناسیونالیستی در فرآیند یهودی کردن فلسطین شرکت کنند، در حالی که آنان اصلاً با اندیشه قومیت یهود مخالف هستند و آشکارا وابستگی سرنوشت ساز خود را به قومیت‌های حاکم بر کشورهای محل زندگی اعلام می‌کنند؟ وی یقین داشت که آژانس گسترش یافته از بهترین شیوه برای ساختن فلسطین استفاده خواهد کرد، اما فرآیند گسترش را «ازدواجی آزمایشی» می‌دانست و معتقد بود که در موفقیت این پیوند تردید وجود دارد.<sup>۷۴</sup> جمعیت پیشرفت یهودیت<sup>۷۴</sup> میزگردی برای بحث درباره مسئله گسترش آژانس یهود برگزار کرد. به گفته موافقان طرح گسترش، آژانس گسترش یافته یهود، نشان دهنده پیامد حتمی رشد عواطف ویژه یهودیان نسبت به فلسطین است و اینکه فقط یهودیان صهیونیست نیستند که پیوندهای عاطفی با فلسطین دارند. از این رو، گسترش آژانس، فرصت را برای یکپارچگی همه یهودیان پیرو نگرش مثبت به آینده ملت یهود فراهم می‌آورد.

برخی از مخالفان طرح گسترش نیز اعتراف کردند که با اصل آژانس گسترش یافته، مخالفتی ندارند، اما از پیامد آن، که صهیونیسم را در موقعیتی «ضعیف» قرار می‌دهد، بیمناک هستند. بحث درباره گسترش آژانس یهود نتوانست مشکلات ناشی از گسترش را برطرف

سازد، حتی این بحث در زمینه تعیین شخصیت و جایگاه آژانس یهود نیز به شکست انجامید.<sup>۷۵</sup> فریمن، رییس سازمان صهیونیستی کانادا، اعلام کرد که امیدوار نیست در کشورش شیوه‌ای برای همکاری میان صهیونیسم و دیگران یافت شود، زیرا کسانی که در پیوستن به عضویت سازمان جهانی صهیونیسم علاقه‌ای نشان نمی‌دهند، نمی‌توانند افرادی فعال و سودمند در آژانس یهود شوند.<sup>۷۶</sup> وایزمن می‌نویسد که مخالفت با گسترش آژانس در میان جناح براندیس نیز آشکار شد، زیرا این جناح، معتقد بود تا زمانی که تشکیل نهاد سیاسی جدیدی - که غیر صهیونیست‌ها از آن می‌پرهیزند - لزوماً قطعی نشده، سازمان صهیونیسم به عنوان یک آژانس یهودی باقی خواهد ماند. وایزمن در خاطراتش، تأثیر موضع این جناح را با توجه به کناره‌گیری زودرس آن از فعالیت تشکیلاتی در سازمان جهانی صهیونیسم ناچیز می‌شمارد.<sup>۷۷</sup> اختلاف این دو جناح، یعنی وایزمن و براندیس، به هنگام برگزاری کنگره صهیونیست‌های آمریکا در تابستان ۱۹۲۱ به اوج خود رسید، به طوری که براندیس، فرانکفورت، استفن وایز، ناتان استروز و دیگران از فعالیت سیاسی صهیونیستی کناره‌گیری کردند و تنها لوییس لیبسکی و دسته‌ای از صهیونیست‌های سرشناس آمریکا در صحنه باقی ماندند.<sup>۷۸</sup> مسئله گسترش آژانس، زیربنای اختلاف میان وایزمن و براندیس بود.<sup>۷۹</sup> قاضی براندیس معتقد بود که گسترش آژانس مسئولیتهای سازمان صهیونیسم در آژانس گسترش یافته را چنان کاهش می‌دهد که مسئولیتی غیر مهم می‌شود، در حالی که سازمان صهیونیسم به گونه‌ای فعالیت خود را آغاز و نقش خود را ایفا کرده بود که امکان تشکیل موطن ملی یهود در فلسطین را از راه تلاش گروهی از نهادهای صهیونیستی محض نوید می‌داد.<sup>۸۰</sup> خاخام استفن وایز که چند سال پس از کناره‌گیری به همراه براندیسیست‌ها، بار دیگر به عضویت سازمان صهیونیسم درآمده بود، سرانجام بر اثر امضای توافق وایزمن - مارشال به صف مخالفان گسترش آژانس پیوست. استفن وایز که یک صهیونیست آمریکایی بود، به هنگام بحث درباره این توافق در کنگره عمومی صهیونیسم<sup>۸۱</sup> توجه اعضای کنگره را به این مطلب جلب کرد که بر اثر حصول این توافق، تنها یک نتیجه به دست می‌آید و آن این است که آژانس گسترش یافته یهود لزوماً در سمت کاهش وظایف کنگره جهانی صهیونیسم، فعالیت خواهد

کرد تا اینکه موقعیت کنگره به نوعی ضعف کامل بینجامد. استفن وایز از میزان قدرت سازمانهای یهودی به آمریکایی مخالف صهیونیسم یا کنار گرفته از صهیونیسم آگاهی داشت،<sup>۸۲</sup> زیرا کمیته یهودیان آمریکا، نخستین تشکیلاتی بود که در قرن بیستم، یهودیان آمریکا را سازمان می داد و از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۰۶، تعدادی از شخصیت‌های جامعه یهودیان آمریکا در میان اعضای آن وجود داشتند و همچنین به نام همه یهودیان سخن می گفت. در حالی که فعالیت صهیونیسم در آمریکا هنوز در جامی زد، این کمیته گامهای چشمگیری در راه جذب فعالیت‌های یهودیان در ایالات متحده برداشته و در زمینه دفاع از حقوق آنان در مناطق مختلفی از جهان پیشرفت داشته است. با این همه، گروهی از نویسندگان صهیونیست این کمیته را به درک نکردن حقیقت آرمانهای حیاتی یهودیان در شرق اروپا متهم ساختند. از آنجا که کمیته یادشده تلاش خود را به تحقق اوضاع بهتر برای یهودیان محدود ساخت و فعالیتی در جهت سازماندهی تشکل ملی یهودیان انجام نداد، صهیونیست‌ها با آن دشمنی ورزیدند و از ابتدای اقدام سازمان صهیونیسم به رخنه در مراکز فعالیت یهودیان آمریکا ناسازگاری و اختلاف میان کمیته و سازمان تشدید یافت.<sup>۸۳</sup> این اختلاف به تدریج به درگیری تبدیل شد که گروه‌های دیگر از جامعه یهودیان آمریکا با تفکرات متباین و متأثر از افکار دیگران و مؤثر بر آنها در این درگیری شرکت کردند. هر یک از این گروه‌ها تفکر ویژه خود را داشتند، اما در مخالفت با صهیونیسم با دیگر گروه‌ها اتفاق نظر داشتند.

جامعه یهودیان مذهبی (ارتدوکس) آمریکا قویترین حامی کمیته یهودیان این کشور بود. این جامعه، شخصیتی متمایز داشت و فعالیت آن عموماً در زمینه امور معابد و عرضه خدمات اجتماعی، متمرکز بود که به طور عمده به سازماندهی امداد یهودیان زیان دیده از جنگ جهانی اول و همچنین آمریکایی کردن مهاجران یهودی ارتباط داشت و این کار را به وسیله اسکان آنان در خانه‌های خیریه انجام می داد. این جامعه از چنان قدرتی برخوردار بود که موجب شد رهبری جناح تجدید نظر طلب را در چارچوب سازمانی به عهده گیرد که به هنگام جنگ، بالغ بر ۱۸۶ فرقه را تحت عنوان «اتحادیه فرقه‌های عبری آمریکا» در بر می گرفت. این اتحادیه، پس از سازماندهی، از راه شورایی ویژه حقوق مدنی، خدمات بزرگی را

در زمینه مدنی و دیپلماتیک به یهودیان ارایه کرد.<sup>۸۴</sup> به همین دلیل، استفن وایز، خاخام صهیونیست آمریکایی، دریافت که مخالفت یهودیان ارتدکس آمریکا با صهیونیسم، عامل تحکیم فعالیت یهودیان محافظه کار (ارتدکس) و یهودیان ارتدکس تجدیدنظر طلب در سطح جهانی است. یهودیان محافظه کار، نخستین کسانی بودند که پرچم مخالفت با اندیشه صهیونیسم را برافراشتند و بر این اساس، با اصل تمرکز تلاش یهودیان جهان با مسلکها و گرایشهای سیاسی مختلف، در چارچوب تأسیس موطن ملی یهود در فلسطین مخالفت ورزیدند. آنها معتقد بودند که «بازگشت» یهودیان به فلسطین در واقع، اندیشه ای صرفاً مذهبی است که هیچگونه نمود سیاسی یا ملی به خود نمی گیرد. به موجب تعالیم تلمود، که یهودیان محافظه کار بدان معتقدند، «بازگشت» به قدس و سپس تأسیس «مملکت اسرائیل» جز با بازگشت مسیح (ع) تحقق نمی یابد. افزون بر این، یهودیان ارتدکس معتقد بودند که خداوند مسیح (ع) را بر می انگیزد تا رهبری «بازگشت» را بدون دخالت بشر به عهده گیرد. همگام با این باور، چون یهودیان ارتدکس پی بردند که اصول صهیونیسم با احکام دیانت موسایی - به ویژه تورات - مغایرت دارد، تحرکات صهیونیستی، دشمنی آنان را با رهبران صهیونیسم برانگیخت و در مقاومت در برابر فعالیت سیاسی صهیونیست ها هم عقیده شدند. شعار ارتدکس ها این بود که صهیونیست ها باید در انتظار «منجی» بمانند و پیش از آمدن وی در دست زدن به چنین فعالیتهایی شتاب نکنند. جناح تجدیدنظر طلبان با «تجدید روح ملی گرایی در میان یهودیان» مخالفت کرد و «آن را حرکتی ارتجاعی شمرد.» استفن وایز، رهبر این جناح، جنبش صهیونیسم را چنین خواند: «این کار، رقصیدن یک فرد دیوانه است که سیاستمدارانی فاسد آن را انجام می دهند.»<sup>۸۵</sup>

به عقیده استفن وایز، سازمانهای یهودی آمریکایی ضد صهیونیسم یا کناره گرفته از آن از جنبه موضع گیری نسبت به اندیشه صهیونیسم یکسان هستند. با این حال، ائتلاف تندروها<sup>۸۶</sup> با صهیونیست های تجدیدنظر طلب<sup>۸۷</sup> قویترین مخالفت صهیونیستی با گسترش آژانس بود. ناحوم گلدمن خاطر نشان ساخت که رهبر و سخنگوی صهیونیست های تندرو در هنگام مخالفت آنان با گسترش آژانس، اسحاق گرین پوم بود، سوابقی در تاریخ مبارزه حقوق

مدنی یهودیان شرق اروپا داشت؛ به همین سبب، او نماینده همه یهودیان لهستانی بود و نه تنها جناح صهیونیست آنان، گرداگرد او گروهی از صهیونیست‌ها جمع شدند و حزب صهیونیست‌های تندرو را تشکیل دادند که حزبی کوچک بود، اما فعالیت چشمگیری داشت. ناحوم گلدمن، نماینده این حزب در کنگره‌های صهیونیسم بود که در دهه بیست قرن حاضر برگزار شد.<sup>۸۸</sup> در کنگره‌ای که اتحادیه صهیونیست‌های تندرو در اوایل سال ۱۹۲۶ در برلین برگزار کرد، مخالفان، خواسته‌های خود را مطرح کردند که این خواسته‌ها در «بازیابی» موقعیت سازمان صهیونیسم به عنوان تشکیلاتی مسئول در تأسیس دوباره جنبش قومی ملت یهود متبلور شد. اتحادیه صهیونیست‌های تندرو مخالف بنیان‌گذاری پایگاه‌های صهیونیستی در فلسطین بر تکیه گاه‌های اقتصادی صرف بود، زیرا این را گذاشتن هدف اقتصادی به جای اهداف سیاسی و فرهنگی دانست. به این علت، سیاست تفاهم با غیر صهیونیست‌ها را مردود می‌شمرد و برای لغو نهایی طرح گسترش آژانس یهود فعالیت می‌کرد.<sup>۸۹</sup> حزب تجدیدنظر طلبان که ولادیمیر ژابوتنسکی آن را در سال ۱۹۲۲ و پس از کناره‌گیری از سازمان جهانی صهیونیسم ایجاد کرده بود، متحد طبیعی صهیونیست‌های تندرو بود. حزب تجدیدنظر طلبان بعدها سازمان صهیونیسم نوین نامیده شد. ژابوتنسکی معتقد بود که وایزمن از تاکتیکی فایبانیستی پیروی می‌کند و ضمن آنکه قدرت کافی برایش نمانده، از راه «فریب دادن یهودیان» در صدد سرپوش گذاشتن بر این قصور بر آمده است.<sup>۹۰</sup> روابط میان تجدیدنظر طلبان و سازمان‌های صهیونیستی همچنان تیره بود. مضافاً اینکه موضعگیری ژابوتنسکی به آژانس گسترش یافته یهود، تیرگی این روابط را افزایش داد.<sup>۹۱</sup>

اتحادیه تجدیدنظر طلبان - دفتر لندن جزوه‌ای را از گروسمن<sup>۹۲</sup> که در آن به مسئله آژانس گسترش یافته یهود پرداخته بود، منتشر ساخت. وی در این جزوه تا آنجا پیش رفته بود که اعلام کند گسترش ممکن است به نابودی سازمان صهیونیسم بینجامد و رهبران صهیونیسم نیز به جای تلاش برای پی بردن به منبع مشکلات و اتخاذ تصمیماتی رهگشا، همه چیز را به پول مربوط می‌کنند؛ به همین دلیل، آنان تلاش خود را برای جلب توجه یهودیان ثروتمند آمریکا - به هر قیمتی که باشد - متمرکز کرده‌اند، به طوری که کنگره صهیونیسم در

اثر فشار برخی از رهبران ناگزیر شد که توافق وایزمن - مارشال را تصویب کند. در حالی که پول غیرصهیونیست ها - بدون صرف آن در جهت کمک به فعالیت صهیونیستی - به فلسطین سرازیر می شد، گسترش آژانس، همراه با تغییرات اساسی مورد انتظار در اساسنامه سازمان صهیونیسم بود. به عقیده تجدیدنظر طلبان، همکاری با غیرصهیونیست ها باید بدون ادغام آنان (در آژانس یهود) انجام شود. غیرصهیونیست ها خود نیز با توجه به اختلافات اساسی میان آنان و صهیونیست ها که بر طرف ساختن آن هم ممکن نبود، خواستار این ادغام نبودند. تجدیدنظر طلبان معتقد بودند که غیرصهیونیست، یک یهودی سنت گرا است که می کوشد مشکل فلسطین را در خارج از آنجا حل کند و اگر به فلسطین روی آورد، آن را هدف فعالیت خود قرار نمی دهد، بلکه به عنوان فرصتی برای انجام عملی خیر خواهانه به آن می نگرد. همچنین، نمود فرهنگی فلسطین یهودی اولویتی برای یک غیرصهیونیست ندارد. گسترش آژانس یهود نیز تصویب تقسیم ابدی ملت یهود به صهیونیست و غیرصهیونیست است و هر یک از این دو گروه در تلاش برای گرفتن حقوق و امتیازات بیشتری از طرف مقابل خواهد بود و این امر، به درگیری پایان ناپذیر میان دو طرف خواهد انجامید.<sup>۹۳</sup>

در میزگردی که کمیته مرکزی اتحادیه تجدیدنظر طلبان در لندن برگزار کرد، گروسمن به همین موضوع پرداخت. وی خطر تأثیر گسترش آژانس بر قومیت یهود را بررسی کرد و پرسید، مادام که اهداف سازمان صهیونیسم از طریق برخی سازمانهای یهودی غیرصهیونیست، مانند سازمان نمایندگان یهودیان انگلیس که به شدت مخالف اندیشه صهیونیسم است، تحقق می یابد، چه نیازی به ادامه فعالیت سازمان صهیونیسم وجود دارد؟ وی پیش بینی کرد که آژانس گسترش یافته یهود، روح دموکراتیک کنگره صهیونیسم را نابود خواهد کرد و حتی احتمالاً نظام قیمومیت بر فلسطین را تغییر خواهد داد.<sup>۹۴</sup> وایزمن در خاطراتش اعتراف می کند، مخالفتی که خیلی از آن بیم دارد، مخالفت صهیونیست های اروپایی و برخی از صهیونیست های آمریکایی است. آنان شرکت دادن ثروتمندان آمریکایی ادغام گرا را در فعالیت آژانس یهود - که باید متولی فعالیت صهیونیستی در فلسطین شود - خطا شمردند و وایزمن را متهم ساختند که در پی جذب یهودیان ادغام گرا به گونه ای است که

حق اقدام در امور موطن ملی یهود را به آنان می بخشد، در حالی که این امر، موافق با گرایش آنان نیست. صهیونیست های مخالف گسترش آژانس یهود می گفتند که «اگر ادغام گراها خواهان همکاری باشند، دروازه سازمان صهیونیسم به رویشان باز است.» با این همه، ادغام گراها نمی توانستند در مرزی فراتر از ارتباط با سازمان پیکا<sup>۹۵</sup> به سازمان صهیونیسم پیوندند. افزون بر اینها، باید گفت که تفاوت ادغام گراها با صهیونیست ها فقط یک اختلاف سیاسی نبود، بلکه این تفاوت، اجتماعی نیز بود.<sup>۹۶</sup> □



## پاورقیها:

1. Chaim Weizmann, *Trial and Error*, London: 1952, pp. 347-348
2. United Nations Documents A/70, Terms of League of Nations Mandates-Mandate for Palestine, p.1.
3. *Ibid.*, pp. 2-3
4. Gt. Brit., Colonial Office, *Palestine Statement of Policy Presentend By the Secraty of State for the Colonies to Parliament by Command of his Majesty*, May, 1939, London: HMSO, 1939, Cmd.6019,p.2  
همچنین این سند به نام کتاب سفید سال ۱۹۳۹ معروف است.
5. Gt. Brit., Colonial Office, *Palestine: Correspondence with the Palestine Arab Delegation and the Zionist Organisation*, June 1922, London: HMSO, 1922, Cmd. 1700, p. 18
6. Gt. Brit., Colonial Office, *Palestine Statement of Policy by His Majesty's Government in the United Kingdom. Presetend by the Secretary of State for the Colonies to Parliament, by Command of his Magestry*, October, 1930, London: HMSO, 1930, Cmd. 3692, pp. 9-10
۷. اوسشکین نخستین رییس آن بود.
۸. این شخص، فن فریزلند بود و حق شرکت در جلسات کمیته را داشت.
۹. در نوامبر ۱۹۲۲، کلنل کیشبه به سمت نماینده سیاسی کمیته تعیین شد.
۱۰. از جمله می توان این ادارات را نام برد: مهاجرت، مالی، سیاسی، کشاورزی، آموزش، بهداشت، بازرگانی و صنایع، برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک. به:  
Zionist Organisation, *Report of Executive of the Zionist Organisation to the 13th Congress, London: 1923*, p.97
۱۱. کنگره جهانی صهیونیسم، در سال ۱۹۲۷، ساختار این کمیته را به این نحو تصویب کرد:  
الف. اداره سیاسی، به ریاست کلنل کیش؛ ب. اداره مهاجرت به ریاست پایک؛ ج. اداره امور مستعمرات، به ریاست کیپنسکی؛ د. اداره کار، به ریاست سرنازاک؛ هـ. اداره مالی، به ریاست کلنل کیش؛ و. اداره آموزش، به ریاست دکتر لئوریا؛ ز. اداره انتشارات و تبلیغات، به ریاست اگرونسکی؛ ح. اداره بازرگانی، به ریاست چبی.  
دبیر خانه کمیته و همچنین شورای بهداشت نیز به این ادارات افزوده می شدند؛ ر.ک. به:  
Cyril Q. Henriques, "The Zionist Organisation in Palestine," Essay in: *The Jewish Supplement*, June 24, 1927, p. IV.
12. *Ibid.*, p.V.
13. C.O. 733/46, League of Nations, Mandate for Palestine, Questionnarie Intended to Assist the Preparation of the Annual Reports of the Mandatory Powers, 1923, pp.41-42
14. Weizmann, *op.cit.*, pp. 205-206
15. *Jwish Chronicle*, 5-4-1929, pp. 28-29
16. *Weizmann, op. cit.*, P. 314
17. Paul Goodman, "The Jewish Agency," Article: *The Jewish Chronicle Supplement*, 25-2-1927, p.V.
18. *Jewish Chronicle*, 29-6-1923, p. 23
19. *Ibid.*, 24-8-1923, p. 23
20. Weizmann, *op.cit.*, pp. 380-381
21. The Autobiography of Nahum Goldman, *Sixty Years of Jewish Life*, Translated by Helen Sebha, New York: 1969, p.97
22. *Jewish Charonicle*, 28-7-1922, p.21
۲۳. در جلسه ۲۴ اوت ۱۹۲۲ .
- 24 . *Jewish Charonicle*, 1-9-1922, p. 16



25. *Ibid.*, p. 18  
 26. *Ibid.*, 3-9-1922, p. 19  
 27. *Ibid.*, 4-9-1922, p. 20  
 ۲۸. عبارت بودند از: دکتر پارت، دکتر هانتک، دکتر جاکسون، دکتر کاتزنلیسون و رابازخف. در انتخاب این اعضا تقسیمات جغرافیایی ایالات متحده، آلمان، انگلیس و روسیه تا حد ممکن مورد توجه قرار گرفت.  
 ۲۹. حزب میزراحی، بزرگترین حزب مذهبی اسرائیل بود که از سال ۱۹۰۲ به عنوان حرکتی مستقل در درون جنبش نوین صهیونیسم ظاهر شد و در سال ۱۹۱۸ به صورت حزبی سیاسی در میان یهودیان فلسطین درآمد.  
 30. *The Zionst Review*, July, 1923, p. 23  
 ۳۱. کتاب حاضر، بخش هشتم.  
 33. *Jewish Charonicle*, 10-8-1923, p. 19  
 34. *Ibid.*, 12-8-1923, p. 18  
 ۳۵. مرکب بود از امانوئل نیومن، موریس روتنبرگ، قاضی برنارد، روزنلت، اسرائیل ماتز و گلدبرگ.  
 36. *Jewish Charonicle*, 10-8-1923, p. 24  
 ۳۷. در اوت ۱۹۲۳.  
 38. *Jewish Charonicle*, 17-8-1923, p. 25  
 39. *The Times*, 2-11-1923, p. 9  
 ۴۰. فن وریسلند.  
 41. *Jewish Charonicle*, 25-4-1924, p. 19  
 42. *Ibid.*, 28-8-1925, p. 12  
 ۴۳. القلم، ۲۲ ژانویه ۱۹۲۷، ص ۲  
 44. *Jewish Charonicle*, 25-4-1924, p. 19  
 45. *Ibid.*, 3-5-1924, p. 23  
 46. *Ibid.*, 3-5-1929, p. 22  
 47. *The Times*, 28-6-1929, p. 16  
 48. *Jewish Charonicle*, 10-12-1926, p. 28  
 49. *Ibid.*, 27-7-1923, p. 24  
 ۵۰. یک سازمان جهانی یهودیان راستگرا که هدف آن، حل مشکلات یهودیان از طریق تورات است. این سازمان، جنبشی سیاسی-مذهبی است و کنگره تأسیس آن در سال ۱۹۱۲ در کاتوویتز برگزار شد و در آن ۳۰۰ نفر شرکت کردند. بنیان گذاران این سازمان از یهودیان ارتدکس شهر فرانکفورت بودند.  
 51. *Jewish Charonicle*, 28-7-1927, p. 19  
 ۵۲. در سال ۱۸۹۱، بارون موریس هیرش آن را برای کمک به یهودیان شرق اروپا بنیان نهاد. تا سال ۱۹۰۰ این بنیاد چند روستا در آرژانتین احداث کرد و از سال ۱۸۹۶، وام در اختیار یهودیان شهرک نشین در فلسطین قرار می داد. بعدها وی از برنامه بارون ادموند روچیلد پیروی کرد و چند شهرک یهودی نشین را ساخت که بیشتر، غلات تولید می کردند.  
 ۵۴. یک جنبش کارگری صهیونیستی بود و کوشید که توجه صهیونیسم سیاسی را به خواسته های طبقاتی کارگران یهودی جلب کند. گروههایی از کارگران یهودی روسیه در اواخر قرن گذشته، تحت نام «کارگران صهیون» گرد آمدند و این پدیده در اروپا، ایالات متحده و فلسطین نیز تکرار شد. در سال ۱۹۰۷، این جنبش در لاهه، تحت نام «اتحادیه کارگران صهیون» متحد شدند. اعضای حزب کارگران صهیون از مهاجران روسی تشکیل می شد و از سران آن می توان بن گوریون و اسحاق بن زوی را نام برد.  
 55. *Jewish Charonicle*, 27-7-1923, p. 25  
 56. *Ibid.*, 17-8-1923, p. 25  
 ۵۷. در ۳ نوامبر ۱۹۲۸.  
 58. *Jewish Charonicle*, 4-1-1929, p. 21  
 59. *Encyclopedia Britannica*, 24 Vols, London:1957, Vol. 23, p. 956  
 60. A. Anlgon Rapport, *History of Palestine*, London: 1937, p. 328  
 ۶۱. ویل کنسکی.  
 ۶۲. در ۱۲ اوت ۱۹۲۳.  
 ۶۳. دکتر مرگیلس.

۶۵. کاتزنلیسون.
۶۶. یک حزب کارگری صهیونیستی که در سال ۱۹۱۹ به رهبری بن گوریون و اسحاق بن زوی در فلسطین تشکیل شد. این حزب در سال ۱۹۲۹ با جنبش کارگر جوان متحد شد و حزب مابای را تشکیل دادند.
67. *Jewish Charonicle*, 17-8-1923, p. 25
68. *Ibid.*, 18-8-1923, p. 11
۶۹. ر.ک. به متن سخنرانی لندن مندرج در *Ibid.*, 4-1-1929, p. 23
70. *Ibid.*, 4-1-1929, p. 25
۷۱. کتاب حاضر، بخش دوم.
۷۲. ر.ک. به خلاصه مقاله مایربیرگن، خاخام آمریکایی، مندرج در *The Times*, 22-2-1929, p. 24
73. *Jewish Charonicle*, 17-5-1929, p. 25
۷۴. در ۱۶ مارس ۱۹۲۹ در مرکز جمعیت نیویورک
75. *Jewish Charonicle*, 5-4-1929, p. 30
76. *Ibid.*, 13-4-1929, p. 11
77. Weizmann, *op.cit.*, p. 378
78. Isarael N. Barli, "The Biographical Facts," Essay in Chaim Weizamnn, *A biography by Some Hands*, (ed.) by: Meyer W. Weisgal and Joel Carmichael, London: 1936, p. 41
79. Weizmann, *op.cit.*, p. 379
80. *The Zionist Review*, December, 1929, pp. 44-45
۸۱. سال ۱۹۲۸ در برلین.
82. *Jewish Charonicle*, 4-1-1929, p. 7
83. Rufus Lears, *Fulfillment, The Epic Story of American Zionism*, Detroit: Wayne State University Press, 1961, pp. 209-210
84. Marks Gottschalk and Abraham G. Duker, *The Jewish History*, New York: 1960, p. 256
۸۶. در سال ۱۹۲۳، جناح صهیونیستی نزدیک به صهیونیسم عام به عنوان نوعی مخالفت با سیاست میانه روانه وایزمن تشکیل شد. وایزمن خواهان برقراری روابطی حسنه با دولت انگلیس بود. صهیونیست های تندرو اتحادیه ای تشکیل دادند و خواستار ضرورت اسکان از طریق تملک ملی زمین شدند.
۸۷. نماینده یک جناح صهیونیستی که خود را ادامه دهنده تفکر هرترزل و ماکس نوردو می داند. ژابوتنسکی، مغز متفکر و نظریه پرداز اصلی این جناح شمرده می شود. به عقیده تجدید نظر طلبان، آنتی سمی تیسم، اساس پیدایش جنبش ملی گرایی یهودی است.
88. *The Autobiography of Nahum Godman, op.cit.*, pp. 98-99
89. *Jewish Charonicle*, 12-2-1926, p. 26
90. Weizmann, *op.cit.*, p. 104
۹۱. جبرا نقولا، فی العالم الیهودی - استعراض مجمل لتاریخ الیهود و بحث مفصل فی الصهیونیه و احزابها مع شرح الاتجاهات الیهودیه الاخری، قدس: ۱۹۳۵، ص ۶۵.
۹۲. پس از ولادیمیر ژابوتنسکی، شخصیت دوم حزب تجدید نظر طلبان شمرده می شد.
۹۳. ر.ک. به خلاصه جزوه، مندرج در *Jewish Charonicle*, 17-5-1929, p. 29
94. *Ibid.*, 10-5-1929, p. 25
۹۵. هنگامی که بارون ادموند روچیلد در سال ۱۸۸۲ به احداث شهرکهای یهودی نشین در فلسطین توجه نشان داد، مؤسسه فلسطین برای استعمار یهودی (پیکا) تشکیل شد. روچیلد تا سال ۱۹۰۰ مدیریت شهرکهای را که احداث کرده، یا به آنها کمک رسانده بود، به عهده داشت. در این سال، وی اداره آنها را به پیکا واگذار کرد. در سال ۱۹۲۴، پیکا، سازمانی مستقل شد و تا سال ۱۹۵۷ همچنان تحت نظارت جیمز روچیلد، فرزند ارشد بارون، اداره می شد تا اینکه وی نیز در این سال درگذشت.
96. Weizmann, *op.cit.*, pp. 378-379.